



تاثیر گرایش کارآفرینانه بر تحقق اقتصاد مقاومتی با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر عوامل محیطی در شرکت های کوچک و متوسط استان آذربایجان غربی

مهران مولوی^{۱*}، رامین اسماعیل نژاد^۲

^۱ استادیار و عضو هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد (dr-molavi1967@yahoo.com)

^۲ دانش آموخته ی رشته ی مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تاثیر گرایش کارآفرینانه بر تحقق اقتصاد مقاومتی با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر عوامل محیطی در شرکت های کوچک و متوسط استان آذربایجان غربی بود. روش تحقیق حاضر توصیفی - پیمایشی بود. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه مدیران و مسئولان شرکت های کوچک و متوسط استان آذربایجان غربی بود که تعداد آنها ۲۶۰۹ نفر می باشد. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۴ نفر برآورد شد و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود. برای سنجش اقتصاد مقاومتی از پرسشنامه محمدی (۱۳۹۱)، برای سنجش گرایش کارآفرینانه از پرسشنامه وود و همکاران (۲۰۱۰) و برای سنجش عوامل محیطی از پرسشنامه مقیمی (۱۳۹۲) استفاده شد. روایی پرسشنامه توسط استاد راهنما و تنی چند از اساتید مدیریت تایید شد. و پایایی پرسشنامه ها توسط آلفای کرونباخ تایید شد که برای پرسشنامه اقتصاد مقاومتی ۰/۸۹ و عوامل محیطی ۰/۹۱ و گرایش کارآفرینانه ۰/۸۷ بدست آمد. پرسشنامه های جمع آوری شده بوسیله آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و آزمون رگرسیون خطی سلسله مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که عوامل محیطی رابطه بین گرایش کارآفرینانه و اقتصاد مقاومتی را تعدیل می کند.

واژگان کلیدی: عوامل محیطی، گرایش کارآفرینانه، اقتصاد مقاومتی، شرکت های کوچک و متوسط استان آذربایجان غربی.

مقدمه

امروزه از مقاوم سازی اقتصاد با عنوان اقتصاد مقاومتی یاد می شود. اقتصاد مقاومتی طراحی و مدلسازی ویژه ای از شرایط و ساز و کارهای

اقتصادی است که بر اساس آن، فضای اقتصادی کشور مبتنی بر فرض وجود حداکثر تحریمها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل، طراحی می شود (ترازاده و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین، امروزه ساختار اقتصادی دنیا باگذشته به طور اساسی تفاوت دارد. توسعه پایدار امروز برپایه نوآوری و خلاقیت و استفاده از دانش استوار است. توسعه کارآفرینی در کشور ضمن فراهم آوردن زمینه رشد و توسعه پایدار، مسائل و مشکلات جاری از جمله فقر، نابسامانی اجتماعی و فرهنگی، بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی و معطل انبوه سایر بیکاران را مرتفع خواهد کرد. در واقع کارآفرینی که به مفهوم کشف و بهره برداری از فرصت ها به منظور ارزش آفرینی در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است، پایه و اساس توسعه همه جانبه محسوب می شود. مطالعات و تحقیقات نشان می دهد کارآفرینی نقش شایسته و بایسته ای در رشد و توسعه اقتصادی، حضور فعال در بازارهای جهانی، رقابت، اشتغالزایی پایدار، توسعه عدالت، کاهش فقر، درآمد ملی و حل مشکلات جامعه دولت و بخش عمومی دارد. برای توسعه کارآفرینی در کشور به کارآفرینان توانمند نیاز است. منظور از توسعه کارآفرینی ایجاد فرهنگ کارآفرینی در کشور، تقویت گرایش مثبت عمومی به کارآفرینی و در پی آن افزایش نرخ فعالیت های کارآفرینانه است. کارآفرینی نه تنها یک حوزه علمی نوظهور بلکه یک نوع راه و رسم زندگی است (شریف زاده، ۱۳۸۸). در این میان، نقش متغیرهای محیطی را نیز نباید انکار نمود و بر رابطه بین گرایش کارآفرینانه و تحقق اقتصاد مقاومتی می تواند تاثیرگذار باشد. لذا با توجه به مطالب بیان شده، هدف اصلی از انجام این تحقیق، تاثیر گرایش کارآفرینانه بر تحقق اقتصاد مقاومتی با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر عوامل محیطی در شرکت های کوچک و متوسط استان آذربایجان غربی می باشد.